


واکاوی سیاست‌گذاری تحقق عدالت اجتماعی

سیدعبدالمهدی حسینی / کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور واحد پرند

sa.hossini63@gmail.com

 orcid.org/0000-0002-3093-1522



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

چکیده

«عدالت» از شئون و مقومات وجود و محور زندگانی انسان است که بدون آن آدمیان معنای زندگی را در نمی‌یابند و جامعه نیز جز با قیام به قسط و گسترش آن قوام نمی‌یابد. علاوه بر این، عدالت و قسط، عدالت‌خواهی و قسط‌طلبی شأنی از شئون فطری انسان است که بدون آن انسانیت انسان معنا نمی‌یابد و آدمی که دارای عقل سلیم است، با جذبه‌ای خاص به سوی عدل و داد در حرکت است. «عدالت اجتماعی» عبارت است از: ارزشی که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای شرایط و زمینه‌هایی می‌شود که هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد و امور جامعه به تناسب و تعادل، در جای شایسته خویش قرار می‌گیرد. این مقاله کوشیده است با تحلیل مفاهیم و منابعی از قرآن، سیره امیرمؤمنان علی^ع و دیدگاه‌های امام خمینی^ع و امام خامنه‌ای از سیاست‌گذاری در حوزه عدالت اجتماعی، به بررسی این موضوع بپردازد که تا چه حد این سیاست‌گذاری‌ها مدنظر قرار گرفته است. پس از انقلاب دولتهایی بر سر کار آمدند که همه آنها در مسیر عدالت اجتماعی دست به عصا حرکت کردند. این مسیر دو مفهوم را به ذهن متبادری کند: یا سیاست‌گذاری‌ها ناقص و نارسا بوده و یا دولت‌ها چندان تمایلی به اجرای این سیاست‌گذاری‌ها نداشته‌اند. با بررسی فعالیت این دولت‌ها به این نتیجه می‌رسیم که با وجود سیاست‌گذاری مناسب در تحقق عدالت اجتماعی، دولت‌ها به این سیاست‌گذاری‌ها تن نداده‌اند.

کلیدواژه‌ها: عدالت اجتماعی، سیاست‌گذاری، حکمرانی اسلامی، امامین انقلاب.

«عدالت» از جمله مفاهیم بنیادی در عرصه نظریه‌های سیاسی است که از روزگاران نخستین، دغدغه خاطر انسان بوده و ذهن اندیشمندان بسیاری را به خود مشغول داشته است. فلاسفه بزرگی همچون افلاطون و ارسطو در دوره کلاسیک غرب و فیلسوفانی همانند فارابی در دوره اسلامی و برخی از نظریه‌پردازان سیاسی معاصر همگی این موضوع را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. در اندیشه اسلامی نیز عدالت و عدالت اجتماعی جایگاه مهمی یافته و به‌ویژه در اندیشه شیعی «عدل» یکی از اصول اعتقادی شیعیان است که علاوه بر عرصه خداشناسی و صفات الهی، بازتاب‌های مهمی در عرصه سیاسی و اجتماعی دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۱، ص ۱۰).

«عدالت اجتماعی» یکی از دلالت‌های مفهوم «عدالت» است که منظور از آن تخصیص منصفانه منابع در یک جامعه است؛ به این معنا که قانون باید به سطح قابل قبولی از عدالت واقعی و رسمی دست یابد و توزیع منصفانه منابع و برابری فرصت‌ها را تضمین کند. عدالت با پسوند «اجتماعی»، در مقابل «عدالت فردی» به کار می‌رود. تعاریفی که اندیشمندان برای «عدالت» ارائه داده‌اند نظیر اعطای حقوق، مراعات شایستگی‌ها، مساوات، توازن اجتماعی، بی‌طرفی و وضع بایسته نوعاً با رویکرد اجتماعی آن است.

در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: «عدالت اجتماعی» یعنی: با هر یک از افراد جامعه به‌گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر، هر فرد براساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین «عدالت اجتماعی» یعنی: کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است (آقابخش و افشاری‌راد، ۱۳۷۴، ص ۳۱۷).

هنگامی که می‌خواهیم به بررسی سیاست‌ها و فرایند سیاست‌گذاری عدالت اجتماعی بپردازیم روشن است که یکی از اولین مراحل که باید دنبال شود تحلیل مبانی نظری و مفاهیم آن است. برای تبیین و فهم مبانی نظری و سیاست‌های عدالت اجتماعی شفاف‌سازی معنای «فقر» و «تبرابری» تا حدی می‌تواند راه‌حل‌های تحقق عدالت اجتماعی را روشن سازد.

مسئله اصلی در حوزه عدالت اجتماعی مسئله «توزیع و چگونگی برقراری عدالت و شیوه‌های اجرای آن» است. این مقاله کوشیده است با تحلیل مفاهیم و منابعی از قرآن، سیره امیرمؤمنان علی علیه السلام و دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای درباره سیاست‌گذاری در حوزه عدالت اجتماعی، به بررسی این موضوع بپردازد که تا چه میزان این سیاست‌گذاری‌ها مطمح‌نظر قرار گرفته است.

پس از انقلاب دولت‌هایی بر سر کار آمدند که همه آنها در مسیر عدالت اجتماعی دست به عصا حرکت کردند. این مسیر دو سؤال را به ذهن متبادر می‌کند: آیا سیاست‌گذاری‌های عدالت اجتماعی ناقص و نارسا بوده‌اند؟ و یا دولت‌ها تمایلی به اجرای این سیاست‌گذاری‌ها نداشته‌اند؟

تحقیقی توسط آقای جلیلی مرند و همکاران (۱۳۹۷) با موضوع «عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک، رالز، شهید مطهری و شهید صدر با تأکید بر چیستی عدالت» صورت گرفته است. این مقاله دیدگاه چهار نظریه‌پرداز معاصر درباره «عدالت اجتماعی» را با تأکید بر چیستی عدالت بررسی کرده است.

هایک به نمایندگی از آزادی‌گرایان، رالز به‌عنوان تأثیرگذارترین فیلسوف سیاسی معاصر غرب، و شهید مطهری و شهید صدر به‌عنوان نظریه‌پردازان اسلامی انتخاب شده‌اند. هایک تنها به عدالت فردی معتقد است و مفهومی به نام «عدالت اجتماعی» را باور ندارد. هدف اصلی رالز ارائه اصول بی‌طرفانه برای عدالت است تا تضاد میان آزادی و عدالت در جوامع لیبرال دموکرات به کمترین حد برسد. از دیدگاه او «عدالت» توافق آزاد افراد در وضع نخستین است. شهید مطهری «عدالت» را همان رعایت حقوق می‌داند، او، هم حقوق طبیعی (فطری) فرد را به رسمیت می‌شناسد و هم برای اجتماع حقوقی قائل است.

از دیدگاه شهید صدر با وجود آنکه عدالت یکی از اصول سه‌گانه ساختمان عمومی اقتصاد اسلامی است، ولی جایگاه عدالت فراتر از یک اصل بوده، سنگ زیر بنای مکتب اقتصاد اسلامی است (جلیلی مرند و همکاران، ۱۳۹۷). تحقیقی توسط قربان علمی (۱۳۹۵) با موضوع «عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه» صورت گرفته است. این تحقیق به بررسی عدالت اجتماعی در گفته‌ها و اعمال علی بن ابی‌طالب (ع) می‌پردازد. عدالت و حقیقت مادر همه ارزش‌های اجتماعی تلقی می‌شود. پس از حضرت محمد (ص)، امیرمؤمنان (ع) بهترین نمونه اخلاق، از جمله عدالت بودند. ایشان برای عدالت زندگی کردند و بر این باور بودند که هر کس باید از حق امنیت در زندگی برخوردار باشد. به نظر ایشان، «عدالت» قرار دادن هر چیزی در محل مناسب خود است.

بنا به نظر امیرمؤمنان علی (ع) ارتباطی عمیق بین عدالت و حقیقت وجود دارد. نقطه مقابل عدالت «ظلم»، و ستمگر دشمن خداست. عدالت یکی از چهار ستون ایمان است. عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های عدالت است. «عدالت اجتماعی» به معنای دادن حق شایسته هر فرد در توزیع منافع در جامعه و برآوردن نیازهای اساسی افراد است.

تحقیقی توسط رضایی جوزانی و بخشایش اردستانی (۱۳۹۷) با موضوع «بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب براساس اندیشه امام خمینی (ع)» صورت گرفته است. در این تحقیق نظام جمهوری اسلامی به‌مثابه نظامی برخاسته از اراده مردم، دارای مسائل مخصوص به خود است که از آن جمله نسبت بین اجرای عدالت در اندیشه بنیانگذار آن و تلاش دولت‌هایی است که در این زمینه اقداماتی انجام داده‌اند.

برهمن اساس، متغیر «عدالت اجتماعی» در اندیشه امام خمینی (ع) در سه دولت هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد به‌عنوان نمونه تحت بررسی قرار گرفت. شاخص این ارزیابی‌ها در بخش عدالت اجتماعی، کاهش فاصله طبقاتی و بهره‌مندی از امکانات بود. مقاله حاضر به این نتیجه رسید که دولت‌های مذکور اگرچه خود را مدیون اندیشه امام

خمینی رحمته الله علیه می‌دانستند و کوشیدند در برنامه‌های توسعه‌ای و عملکردی خود به موضوع «عدالت اجتماعی» بپردازند، اما به علت وجود موانع ساختاری و اجرایی در اجرای عدالت اجتماعی چندان موفق نبودند.

عدالت در قرآن کریم

الف. امر به عدالت

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰)؛ همانا خداوند (خلق را) به عدل و احسان فرمان می‌دهد و به بذل و عطای خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ستم نهی می‌نماید و به شما از روی مهربانی پند می‌دهد. باشد که موعظه خدا را بپذیرید. در این آیه شریفه، برای اجرای عدالت فعل امر به کار رفته است که وجوب آن را می‌رساند؛ یعنی واجب است در همه زمینه‌ها عدالت اجرا شود و تبعیض و ستم و بی‌عدالتی ریشه کن گردد.

ب. حکم به عدالت

«فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَاتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (شوری: ۱۷)؛ و بدین سبب، ای رسول! تو همه را به دین اسلام و کلمه توحید دعوت کن و چنان که مأموری، پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و به امت بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم. خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست.

این آیه شریفه دارای پنج نکته مهم است:

اول. از اصل دعوت آغاز می‌شود.

دوم. سپس وسیله پیشرفت آن، یعنی استقامت مطرح می‌گردد.

سوم. به موانع راه که هواپرستی باشد، اشاره شده است.

چهارم. نقطه شروع که از خویشتن است، بیان گردیده است.

پنجم. هدف نهایی که گسترش و تعمیم عدالت است، عنوان شده؛ زیرا رعایت اصل عدالت برای ایجاد وحدت اجتماعی ضرورت دارد.

قسمتی از آیه «لا حجة بیننا و بینکم» نفی امتیاز انسان‌ها را بر یکدیگر بیان می‌نماید که هیچ‌یک را بر دیگری امتیازی نیست.

ج. التزام به عدالت در هر شرایط

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائدة: ۸)؛ ای اهل ایمان، در راه خدا پایدار باشید و (بر سایر ملل عالم) شما گواه

عدالت و راستی و درستی باشید و البته نباید عداوت گروهی شما را بر آن دارد که از طریق عدل بیرون روید. عدالت ورزید که عدل به تقوا نزدیک‌تر است، و از خدا بترسید که خدا البته به هر چه می‌کنید آگاه است. این آیه شریفه مؤمنان را به قیام برای برپایی عدالت دعوت می‌کند. سپس به یکی از عوامل انحراف از عدالت اشاره نموده، به مسلمانان هشدار می‌دهد که نباید کینه‌ها و عداوت‌های قومی و تصفیه‌حساب‌های شخصی مانع اجرای عدالت و موجب تجاوز به حقوق دیگران گردد؛ زیرا عدالت از همه اینها بالاتر است.

د. داوری براساس عدالت

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء: ۵۸)؛ خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانش باز دهید و چون بین مردم حاکم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو می‌دهد، که خدا به هر چیزی آگاه و بصیر است. با توجه به اینکه در اجتماع، برخوردها و تضادها و اصطکاک منافع وجود دارد، باید با حکومت عادلانه، حل و فصل شود تا هرگونه تبعیض و امتیاز نابه‌جا و ظلم و ستم از جامعه برچیده شود؛ یعنی اگر فرد یا افرادی از اصل امانتداری منحرف شدند نوبت به عدالت می‌رسد که آنها را به وظیفه خود آشنا سازد و با آنها برخورد مناسب بنماید.

هـ. گرایش به عدالت در سخن گفتن

«وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» (انعام: ۱۵۲)؛ و هر گاه سخن می‌گویید به عدالت گرایید، هر چند درباره خویشاوندان باشد.

و. نفی تبعیض در میان انسان‌ها

در سوره مبارکه «کهف» می‌بینیم که وزیر در کنار چوپان و حتی سگ پاسبانی قرار می‌گیرد تا روشن شود امتیازات دنیای مادی و مقامات گوناگون آن کمترین تأثیری در جدا کردن صفوف رهروان راه حق ندارد. راه حق راه توحید است و راه توحید راه یگانگی همه انسان‌ها (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۴۰۲).

ز. تبعیض طبقاتی و مشکل جوامع

آیات قرآنی با تقسیم جامعه به دو گروه «اشراف» و «فقرا» مبارزه می‌کند. اصولاً جامعه‌ای که گروهی از آن - که طبعاً اقلیتی خواهند بود - مرفه‌ترین زندگی را داشته و در ناز و نعمت غوطه‌ور و در اسراف و تبذیر غرق باشند و آلوده به انواع مفاسد گردند، درحالی که گروه دیگری که اکثریت را تشکیل می‌دهند از ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین وسیله زندگی انسانی محروم باشند، چنین جامعه‌ای را که اسلام نمی‌پسندد و رنگ انسانی ندارد. چنین جامعه‌ای هرگز روی آرامش نخواهد دید و ستم، خفقان، استعمار و استکبار حتماً بر آن سایه خواهد افکند. جنگ‌های خونین غالباً از جامعه‌هایی که دارای چنین بافتی هستند برمی‌خیزد و ناآرامی‌ها در چنین جوامعی هرگز پایان نمی‌پذیرد. اصلاً چرا این همه مواهب الهی، بی‌دلیل در اختیار عده‌ای معدود قرار گیرد و اکثریت در میان انواع محرومیت‌ها، دردها و رنج‌ها، گرسنگی و بیماری دست و پا بزنند؟ (همان، ص ۴۲۰).

عدالت اجتماعی در سیره امیرمؤمنان علیؑ

روش عملی امیرمؤمنانؑ در رعایت عدالت اجتماعی مکمل فرهنگ علوی است که آن حضرت در عمل و در مسند خلافت و حاکمیت به آن متعهد و مقید بودند و از اعمال آن در هیچ شرایطی فروگذار نکردند. در ادامه مقاله به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

یک. اجرای عدالت اقتصادی با خویشاوندان

ابن‌دب از/ام‌هانی خواهر امیرمؤمنانؑ نقل می‌کند که نزد برادرش آمد و حضرت امیر بیست درهم به او داد. کنیز عجم/ام‌هانی نیز نزد امام علیؑ رفت و پول گرفت. وقتی/ام‌هانی از کنیز خود پرسید که چقدر از حضرت علیؑ گرفتی، گفت: امامؑ بیست درهم به من داده است. /ام‌هانی با عصبانیت نزد برادر رفت و گفت: باید به من پول بیشتری بدهی! اما پاسخ حضرت همان بود. آن حضرت برای خویشاوندان خود هیچ مزیتی نسبت به دیگران قائل نمی‌شدند و هیچ تبعیضی را تحت هیچ شرایطی نمی‌پذیرفتند.

خوب است ما که مدعی هستیم پیرو و شیعه و عاشق مولا هستیم، تلاش کنیم تا سیره آن حضرت را زنده نگه داریم و از تبعیض‌های ناروای قوم و خویش‌بازی، قبیله‌بازی و مانند آن دست برداریم. از خدا بترسیم و این حکومت الهی را که بعد از ۱۴۰۰ سال مبارزه به دست ما رسیده و صدها هزار شهید وارسته و بزرگ جان خود را فدای آرمان‌های زیبایی آن کرده‌اند و همیشه در آرزوی حکومتی شبیه حکومت امیرمؤمنانؑ بوده‌اند، با اجرای عدالت و تقوا در جامعه پایداری بخشیم (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸).

دو. رعایت عدالت در برخورد با بیت‌المال

امیرمؤمنان علیؑ به عمار یاسر و عبیدالله بن ابی‌رافع و ابوهیثم نهبان مأموریت دادند مالی را که در بیت‌المال بود، تقسیم کنند و به آنها فرمودند: «اعدلوا بینهم و لا تفضلوا احداً علی احد»؛ عادلانه تقسیم کنید و کسی را بر دیگری برتری ندهید. آنها مسلمانان را شمردند و مقدار مال را نیز معلوم کردند؛ به هر کس سه دینار می‌رسید. مسلمانان و نیز طلحه و زبیر با پسرهای خود برای گرفتن سهمشان از بیت‌المال آمدند؛ به هریک سه دینار دادند. طلحه و زبیر اعتراض کردند و گفتند: «عمر با ما چنین رفتار نمی‌کرد. آیا این نحوه تقسیم بیت‌المال نظر خودتان است یا نظر رفیقان؟» آنها پاسخ دادند: امیرمؤمنانؑ چنین دستور داده‌اند.

آنان نزد امام علیؑ رفتند و به این شیوه اعتراض کردند و نحوه تقسیم بیت‌المال در دورهٔ خلیفه دوم را یادآور شدند. حضرت پرسیدند: رسول خدا در تقسیم بیت‌المال با شما چگونه رفتار می‌کرد؟ آنها سکوت کردند.

امام علیؑ فرمودند: «آیا پیامبر بیت‌المال را میان مسلمان مساوی تقسیم نمی‌کردند؟» گفتند آری. حضرت علیؑ فرمودند: پس نزد شما سنت پیامبر سزاوارتر است که پیروی کنید یا سنت عمر؟ گفتند: سنت رسول‌الله. گفتند: ولی ما دارای سوابق و خدماتی هستیم و در راه اسلام سختی‌هایی کشیده‌ایم و از نزدیکان پیامبرؐ هستیم.

حضرت از آنها پرسیدند: سابقه شما در اسلام بیشتر است یا من؟ گفتند: سابقه شما، حضرت علیؑ فرمودند: شما به پیامبر نزدیک‌ترید یا من؟ گفتند: شما، پرسیدند: خدمات شما و سختی‌هایی که برای اسلام متحمل شده‌اید بیشتر است یا خدمات من؟ گفتند: شما، فرمودند: به خدا سوگند، من و کارگری که برای من کار می‌کند در استفاده از بیت‌المال یکسان هستیم! (دستی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۱).

سه. تقسیم مساوی بیت‌المال بدون در نظر گرفتن امتیازهای خاص

پس از آنکه مردم با حضرت علیؑ بیعت کردند، حضرت امیرؑ در یک سخنرانی عمومی سیاست‌های خود را که احیای قرآن و سنت رسول خداﷺ و اجرای عدالت اجتماعی و برخورد شدید با غارتگران بیت‌المال بود، بیان داشتند. زمانی دستور دادند: موجودی بیت‌المال را به صورت مساوی تقسیم کنند؛ به هر تن سه درهم می‌رسید، به این ابی‌رافع نویسنده و منشی خود فرمودند: از مهاجران شروع کن و نام تک‌تک آنها را بخوان. سپس اسامی انصار و دیگر مردم را بخوان و به همه سه درهم بده، و بین سیاه و سفید فرقی مگذار.

سهل بن حنیف گفت: یا امیرالمؤمنین! این شخص دیروز غلام من بود و امروز آزاد شده است. بین من و او فرقی نمی‌گذارد! امام علیؑ فرمودند: به او نیز همانند تو می‌بخشیم؛ و به هریک از آن دو، سه درهم دادند. در نتیجه، ذی‌طلبانی که خواستار حقوقی بیش از دیگران بودند و عدالت حضرت امیرؑ را برنمی‌تافتند و به تبعیض‌های ناروا و تقدم بر سایرین انس گرفته بودند، مخالفت‌ها را شروع کردند. طلحه و زبیر و عبدالله عمر و سعید بن عاص و مروان بن حکم و چند تن از قریش ناراحت شدند و سهم خود را نگرفتند (سبحانی فر و مردمی، ۱۳۹۱). امیرمؤمنان علیؑ در حال تقسیم کردن بیت‌المال بودند. طفلی از نوه‌های امام آمد و چیزی برداشت و رفت (گویا مقداری خرما یا خوردنی دیگر بوده است). در این حالت هر پدري ممکن است مسئله را نادیده بگیرد، ولی امامؑ شتابان به دنبال طفل دویدند و آن را از دستش گرفتند و به بیت‌المال برگردانیدند. مردم به حضرت علیؑ گفتند: این طفل هم سهمی دارد! امام فرمودند: هرگز، بلکه تنها پدرش سهم دارد، آن هم به قدر سهم هر مسلمان عادی. هرگاه آن را گرفت به هر قدر که لازم بداند به آن طفل خواهد داد (همان، ص ۱۹۵).

عدالت اجتماعی در دیدگاه امام خمینیؑ

نگرش و توجهی که امام خمینیؑ به مسئله قسط و عدالت در جامعه و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی آن داشت بیانگر آن است که ایشان عدالت را نه صرفاً ملک یا فضیلتی فردی، بلکه خصلت و حالتی اجتماعی می‌دانست. در این نگرش عدالت خصلت قوانین سیاسی و اجتماعی و نیز ویژگی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و مهم‌تر از آن، خصلت جامعه انسانی است. برای مثال، ایشان یکی از مهم‌ترین و شاید ویژگی اصلی حکومت جمهوری اسلامی را تحقق عدالت می‌دانست:

در جمهوری اسلامی ستم نیست. در جمهوری اسلامی زورگویی نیست. ... در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفا خواهد شد و مستمندان به حقوق خودشان خواهند رسید... عدالت الهی سایه می‌افکند (موسوی خمینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۵۲۵).

از سوی دیگر، باید دانست که در نگاه ایشان در جامعه مبتنی بر توحید، عدل الهی منشأ تمام امور خواهد بود. بنابراین عدالت در جامعه، منتج از عدل الهی و توحید است؛ زیرا به‌زعم ایشان، در جامعه توحیدی همه امتیازها لغو می‌شود و تقوا ملاک تمام برتری‌هاست. در چنین جامعه‌ای، «زامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است و ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است (همان، ج ۵، ص ۸۱).

براین اساس اگر در جامعه‌ای تساوی در برابر قوانین وجود داشته و جایی برای تبعیض و دوگانگی باقی نمانده باشد و همه اقشار جامعه به حقوق خود رسیده باشند می‌توان آن جامعه را متصف به عدالت دانست. بنابراین از دید امام خمینی^ع، عدالت منحصر به قوه قضاییه یا افراد انسانی نیست، بلکه به تمام نهادهای اجتماعی مربوط می‌شود (همان، ج ۱۷، ص ۱۴۰).

مفهوم «عدالت» از دیدگاه امام خمینی^ع بسیار گسترده است و جنبه‌های الهی، فردی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. در این قالب، ایشان تعاریفی چند از «عدالت» را گوشزد می‌کنند:

گاه «عدالت» به معنای حد وسط بین افراط و تفریط به‌کار گرفته می‌شود. اما در جای دیگری ایشان به صراحت به مضمون «عدالت اجتماعی» اشاره کرده است: قائل نشدن امتیاز برای اقشار (خاص)، مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند و طبقات بالا به طبقه پایین ظلم نکنند؛ و قیام به قسط و رفع ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و رفع ایادی ظلم و تأمین استقلال و تعدیل ثروت به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت در اسلام (ایران‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱).

درواقع امام خمینی^ع بر این عقیده بود که معیار تمام تصمیم‌گیری‌های حکومت و ازجمله توزیع امکانات و فرصت‌های گوناگون و متعدد در جامعه و خرده‌بخش‌های آن باید مبتنی بر عدالت اجتماعی - و نه بر پایه امتیازات برخاسته از عواملی همچون قدرت، ثروت، نژاد، قومیت، زبان، جنسیت و قلمرو جغرافیایی - باشد و البته در این میان توجه بیشتری به اقشار محروم و گروه‌های نیازمند جامعه گردد (آقاپور، ۱۳۸۴، ص ۸۳).

معیارهای عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی^ع

منظور از معیارهای عدالت اجتماعی موضوعاتی هستند که با مشاهده یا دریافت آنها در درون جامعه می‌توان پی به وجود عدالت اجتماعی در آن جامعه برد. مفاهیم «عدالت» و «عدالت اجتماعی» در اسلام، مفاهیمی آرمانی و انتزاعی نیست، بلکه مفاهیمی است که از ویژگی برجسته قابلیت اجرا برخوردار است و اگر مفاهیم دادگری، عدالت، عدالت اجتماعی و ظلم و ستم در این دیدگاه مدنظر واقع شده بیانگر آن است که بدون روشن شدن این مفاهیم نمی‌توان به شناخت صحیحی از عدالت دست یافت (ایران‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱).

مهم‌ترین شاخص‌ها و معیارهایی که از بین مکتوبات و فرمایش‌های ایشان برای عملی شدن و تحقق عدالت اجتماعی استخراج و استنتاج گردیده عبارت است از: زدودن فقر و تهیدستی، رفع شکاف در سطح معیشت جامعه، ایجاد رفاه برای همه اقشار، از بین بردن ظلم و جور، ساده‌زیستی، و نفی تشریفات و تجملات، به‌ویژه نزد مسئولان.

عدالت اجتماعی در دیدگاه امام خامنه‌ای

از دیدگاه رهبر حکیم انقلاب، حکمرانی اسلامی شبیه هیچ‌یک از حکومت‌های رایج جهان نیست. حکمرانی در منطق اسلام از بنیاد، با حکمرانی‌های رایج جهان متفاوت است؛ نه شبیه سلطنت است، نه شبیه ریاست جمهوری‌های امروز دنیاست، نه شبیه فرماندهی‌هاست، نه شبیه رؤسای کودتاگر است... یک چیز خاصی است متکی به مبانی معنوی. سبک حکمرانی اسلامی این است: مردمی بودن، دینی بودن، اعتقادی بودن، اشرافی نبودن، مسرف نبودن، ظالم نبودن (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰ الف).

دیدگاه رهبر حکیم انقلاب در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری اکتفا نکرده، به نقاط ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی عطف توجه نموده است. باید توجه داشت که ورود ایشان به مباحث عدالت اجتماعی از منظر یک رهبر و هادی حرکت اجتماعی امت و یک سیاستگذار کلان در ترسیم خطوط اصلی حرکت کارگزاران و مسئولان نظام اسلامی است.

به نظر من هر موصوبه‌ای که شما تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای که خود شما در دستگاه خودتان صادر می‌کنید یک پیوست عدالت باید داشته باشد. باید مراقب باشید این روش، این کار، این دستور، ضربه‌ای به عدالت نزنند! طبقات مظلوم را پایمال نکنند! این مراقبت باید همیشه باشد. حالا یا با یک پیوست مکتوب یا - بالاخره - از لحاظ نوع تنظیم جوری باشد که این طور باشد. گاهی اوقات یک روش مدیریتی، یک رفتار رایج ضربه می‌زند. ما واقعاً [چنین] مواردی داریم. الآن هم در مجموعه کارهای ما یک رسومی و اوضاعی وجود دارد که اینها باید اصلاح بشود؛ در زمینه‌های مختلف [هم هست]؛ و عمدتاً در زمینه عدالت در توزیع امکانات کشور است. این امکانات باید واقعاً عادلانه توزیع بشود (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰ ب).

ما هر جا انقلابی عمل کردیم، عقب‌ماندگی نداشتیم. هر جا از انقلاب کوتاه آمدیم یک حرکت غیرانقلابی و حرکت ناشی از کسالت و بی‌توجهی انجام دادیم، عقب‌ماندگی به وجود آمد، که در درجه اول، مسئله معیشت طبقات فقیر است؛ ما در این زمینه عقب‌ماندگی داریم و اختلاف و شکاف طبقاتی هست. البته این را هم بگوییم: در همین زمینه‌ای که ما عقب‌ماندگی داریم، در مقایسه با قبل انقلاب به مراتب جلو هستیم. اینکه کسی خیال کند که وضع قبل از انقلاب مثل وضع امروز بود، اصلاً این جور نیست. آن روزها - خوب بنده در میدان کار بودم و با طبقات مختلف، طبقات فقیر، در مشهد و در آنجایی که بودیم [ارتباط داشتیم] و از جاهای دیگر هم ما بی‌اطلاع نبودیم - وضع بسیار با امروز متفاوت بود و بسیار بد بود. امروز از آن جهت هم ما پیشرفت کرده‌ایم. منتها این [جایی] که ما امروز هستیم باب شأن انقلاب نیست. ما بایستی خیلی بیش از این حرکت می‌کردیم. شکاف طبقاتی بایستی از بین برود و عدالت اقتصادی - به معنای واقعی کلمه - بایستی مستقر بشود در کشور. این وظیفه ماست، این کار ماست، بایستی انجامش بدهیم. قبل از انقلاب، جمعیت کشور ۳۵ میلیون بود، امروز ۸۵ میلیون است. آن روز چند برابر امروز از درآمد نفت استفاده می‌کردیم؛ نفت می‌فروختیم و استفاده

می‌کردیم. امروز علاوه بر تحریم - که اضافه شده - این مقدار فروش نفت هم هرگز نداشتیم. مثل قبل از انقلاب که آن روز شش میلیون بشکه نفت می‌فروختند - آن طور که معروف بود - و در عین حال خب بحمدالله کارهایی انجام گرفته، ولی آن کارها خیلی کم است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹).

در نظام اسلامی، عدالت مبنای همهٔ تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همهٔ مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، بخصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همهٔ اخلاص، درصد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعهٔ ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم‌درآمد است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰).

اساساً فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها، از نظر امام‌خامنه‌ای از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی مدنظر اسلام است. ایشان می‌فرماید:

به نظر ما، عدالت کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطهٔ جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد، اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، هم فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

عدالت اجتماعی در دولت‌های سازندگی، اصلاحات، مهرورز، تدبیر و امید

در هریک از دولت‌های «سازندگی»، «اصلاحات»، «مهرورز»، و «تدبیر و امید» برای تحقق عدالت اجتماعی قوانینی در دستور کار قرار گرفته بود که دولت‌های مذکور در طراحی آنها نقش داشتند. در شش قانون برنامه توسعه‌ای موضوع «عدالت اجتماعی» لحاظ شد و به صورت دستورالعمل درآمد. درواقع، بخشی از قوانین توسعه لوایحی هستند که از سوی دولت‌ها به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شوند و پس از تصویب به صورت قانون درمی‌آیند.

عدالت اجتماعی در قانون برنامه اول توسعه مدنظر قرار گرفت. در قسمت یکم این قانون درباره دستیابی به عدالت اجتماعی آمده بود: ماده ۵: تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی؛ ماده ۶: تأمین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم...؛ ماده ۷: تأمین حداقل نیازهای حیاتی و در صورت امکان، تأمین آنها در حد کفایت و نیز تأمین نیازهای ضروری با توجه به امکانات کشور.

همچنین در تبصره ۱۰ ماده واحده قانون توسعه دوم که در دولت «سازندگی» سال ۱۳۷۳ تصویب شد، به موضوع «عدالت اجتماعی» اشاره شده بود:

به منظور کمک به تأمین عدالت اجتماعی، کاهش فقر و محرومیت، توسعه و بهبود کیفیت شرایط عمومی زندگی مردم، دولت مکلف است در جهت اجرای اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی حمایت‌های لازم را به عمل آورد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳).

در دولت «سازندگی» در دو برنامه اول و دوم توسعه، رشد اقتصادی اولویت نخست را به خود اختصاص داد. از این رو، عدالت اجتماعی اگرچه در برنامه توسعه مطرح‌نظر قرار گرفته بود، اما در اولویت دولت قرار نداشت. این دولت «توسعه اقتصادی» را گفتمان خود قرار داد، ولی در عمل موفق به اجرای عدالت اجتماعی نشد.

رهبر معظم انقلاب طی سال‌های استقرار دولت «سازندگی»، ضمن حمایت از فعالیت‌های مثبت دولت در بخش‌های گوناگون، از به حاشیه رفتن عدالت اجتماعی و ترویج اشرافیگری در دولت گلایه کرد (رضایی جوزانی و بخشایش اردستانی، ۱۳۹۷).

در دوران «اصلاحات» قانون توسعه سوم در سال ۱۳۷۹ تصویب شد. درباره تحقق عدالت اجتماعی در فصل پنجم این قانون، ماده ۳۶ آمده بود:

در اجرای اصل بیست و نهم (۲۹) قانون اساسی و به منظور توسعه عدالت اجتماعی، «نظام تأمین اجتماعی» با هدف حمایت از اقشار مختلف جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی و پیامدهای آن، از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و ناتوانی‌های جسمی، ذهنی، روانی و نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه‌ای و غیر آن (حمایتی و امدادی) حقی است همگانی، و دولت مکلف است طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تأمین کند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹).

دولت «اصلاحات» (سکانداری مجدد تکنوکرات‌ها)، همانند دولت «سازندگی» ساماندهی و توسعه اقتصادی کشور را تجویز می‌کرد. با اینکه وزارت «رفاه و تأمین اجتماعی» در دولت «اصلاحات» تأسیس شد، اما «توسعه سیاسی» گزینه اولویت‌دار بود. از این رو، عملاً اعتقادی به عدالت اجتماعی نداشت. دولت «اصلاحات» توسعه سیاسی را گفتمان اصلی خود قرار داده بود و در عمل موفق به اجرای عدالت اجتماعی نشد. غافل شدن از مشکلات اولیه مردم و به‌ویژه قشر مستضعف جامعه در دوران دولت «اصلاحات» گاه با نهیب رهبر فرزانه انقلاب نیز مواجه می‌شد. ایشان بارها در این خصوص به دولتمردان تذکر داد و این مطالبه را داشت که نباید اولویت‌های اساسی و مشکلات اساسی مردم قربانی سیاسی‌کاری و مسائل حاشیه‌ای گردد (رضایی جوزانی و بخشایش اردستانی، ۱۳۹۷).

در قانون برنامه توسعه پنجم در دولت «مهرورز» نیز به عدالت اجتماعی اشاره شده بود. در ماده ۹۵ این قانون آمده بود:

دولت مکلف است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌های پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را با محورهای ذیل تهیه و به اجرا بگذارد و ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، نسبت به بازنگری مقررات و

همچنین تهیه لوایح برای تحقق سیاست‌های عدالت اجتماعی اقدام نماید... (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹).

در دولت «مهرورز» که با «گفتمان عدالت» روی کار آمده بود، عدالت اجتماعی نمود بیشتری یافت و در اولویت فعالیت‌های دولت قرار گرفت. در این گفتمان دولت باید برای تحقق عدالت دخالت می‌نمود. بدین‌روی طرح «تحول اقتصادی»، اعطای سهام عدالت، مسکن مهر و هدفمندی یارانه‌ها مدنظر قرار گرفت. این دولت به سمت خشنودسازی طبقات متوسط به پایین حرکت کرد، هرچند در عمل موفقیت‌چندانی کسب ننمود. مقام معظم رهبری وضع موجود کشور در دولت‌های نهم و دهم را خالی از آفت و مشکل ندانست و در موارد متعددی، به صورت شفاهی و کتبی سفارش‌ها، توصیه‌ها و تذکرات لازم را به کارگزاران آن ارائه داد (رضایی جوزانی و بخشایش اردستانی، ۱۳۹۷).

در دولت «تدبیر و امید»، ماده ۲ قانون برنامه ششم توسعه به «عدالت اجتماعی» اشاره کرده بود: موضوعات خاص کلان فرباختی در مورد بهبود محیط کسب و کار، اشتغال، فضای مجازی، بهره‌وری تأمین منابع مالی برای اقتصاد کشور، نظام عادلانه پرداخت و رفع تبعیض، توانمندسازی محرومان و فقرا (با اولویت زنان سرپرست خانوار)، بیمه‌های اجتماعی و ساماندهی و پایداری صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی و اجرای «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، تأمین مسکن افراد کم‌درآمد، فرهنگ عمومی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳).

این دولت که با گفتمان «تعامل با دنیا» روی کار آمد، همه دغدغه‌اش سیاست خارجی و «برجام» بود. در واقع جایی برای عدالت اجتماعی وجود نداشت و حل مشکلات مردم را در سازش با دنیا می‌دید. رهبر حکیم انقلاب مکرر این دولت را به تقویت بنیه داخلی و درونی به جای نگاه به بیرون هشدار می‌داد؛ از جمله: رفع مشکلات معیشتی، تعیین تکلیف نجومی‌بگیران، مشکلات بورس و تکمیل طرح مسکن مهر دولت قبل. اما دولت اعتقادی به توانمندی درونی و داخلی نداشت و تمام برنامه‌های ششم توسعه در حوزه عدالت اجتماعی روی کاغذ ماند و رنگ عملیاتی به خود نگرفت.

نتیجه‌گیری

از جمله اصول اساسی دین مبین اسلام، از بین بردن نابرابری و بی‌عدالتی‌های دوران پیش از اسلام، تأمین حقوق اساسی مظلومان و استقرار عدالت در بین مردم بود. موضوع «عدالت اجتماعی» از جمله مباحث مهم در مکتب انسان‌ساز اسلام است. خداوند متعال هدف از بعثت انبیا الهی را اقامه قسط و عدل توسط مردم بیان می‌نماید. نظام جمهوری اسلامی نظامی برخاسته از اراده مردم و دارای مسائل مخصوص به خود در حوزه عدالت اجتماعی است.

این مقاله نشان داد: سیاست‌گذاری لازم در تحقق عدالت اجتماعی که از مبانی قرآنی گرفته شده، سیره عملی امیرمؤمنان علی^{علیه السلام} نیز بوده و در همین زمینه امامین انقلاب اسلامی این سیاست‌گذاری‌ها را در نظام مقدس جمهوری اسلامی توصیه کردند تا انقلاب بر ریل عدالت اجتماعی حرکت نماید. اما دولت‌های پس از انقلاب در عملیاتی نمودن این سیاست‌گذاری‌ها چندان موفق نبودند، و تحقق عدالت اجتماعی برای رسیدن به قله مدنظر هنوز راه درازی در پیش دارد.

با این اوصاف اگر در سیاست‌گذاری‌ها چند نکته در دستور کار عملی قرار گیرد عدالت اجتماعی در جامعه نمود بیشتری خواهد داشت:

اولین نکته که در زمینه عدالت اجتماعی از اهمیت اساسی برخوردار است «تمرکززدایی» است. هرچه بیشتر دولت‌ها بتوانند قدرت بیشتری به مناطق گوناگون داده، اجازه تخصیص منابع به آنها بدهند، آنها نیز با توجه به شناختی که از وضعیت و شرایط آن منطقه یا بخش خود دارند، می‌توانند هدف‌گذاری را با شناخت بهتری انجام دهند.

دومین نکته «قدرت پاسخ‌گویی دولت به مردم»، به‌ویژه محرومان و مستضعفان است که اهمیت دارد. بنابراین توانمندسازی محرومان یکی از سیاست‌های محوری برای فقرزدایی و یکی از جلوه‌های توانمندسازی مسئول ساختن دولت در مقابل محرومان و مستضعفان است.

سومین نکته تهیه و تدوین خط‌مشی و دستورالعملی به منظور برخورد با پدیده «تبعیض» است که باید شکل بگیرد.

آخرین نکته هم تقویت و گسترش بخش خصوصی است که می‌تواند در تحقق عدالت اجتماعی موثر واقع گردد.

بنابراین عدالت اجتماعی از مباحث و موضوعات محوری افراد جامعه در سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان جامعه اسلامی است. فقدان عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی دلیل بر آن است که سیاست‌گذاران باید بر نحوه اجرای آن نظارت داشته باشند تا روزی که ان‌شاء الله تبعیض و نابرابری از جامعه اسلامی رخت برینند.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۱، *عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام*، قم، بوستان کتاب.
- ایران نژاد، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۱، «عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ش ۱، ص ۱۱۶-۱۳۵.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۷۴، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- آقاپور، علی، ۱۳۸۴، *بررسی تحقق عدالت اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- جلیلی مرند، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۷، «عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک، رالز، شهید مطهری و شهید صدر با تأکید بر چیستی عدالت»، *جستارهای اقتصادی ایران*، ش ۱۵، ص ۱۷۳-۱۹۹.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۷۰، «عدالت اجتماعی»، بیانات در اجتماع زائران مشهد مقدس، در: khamenei.ir.
- _____، ۱۳۸۸، «عدالت اجتماعی»، بیانات در اجتماع زائران مشهد مقدس، در: khamenei.ir.
- _____، ۱۳۹۹، «عدالت اجتماعی»، بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، در: khamenei.ir.
- _____، ۱۴۰۰ الف، «حکمرانی اسلامی»، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، در: khamenei.ir.
- _____، ۱۴۰۰ ب، «عدالت اجتماعی»، بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، در: khamenei.ir.
- دشتی، محمد، ۱۳۷۹، *امام علی و اقتصاد*، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین.
- رضایی جوزانی، نیکو و احمد بخشایش اردستانی، ۱۳۹۷، «بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت‌های پس از انقلاب براساس اندیشه امام خمینی»، *مطالعات سیاسی*، ش ۴۰، ص ۲۵-۴۴.
- سبحانی‌فر، محمدجواد و ابوالقاسم مردمی، ۱۳۹۱، «عدالت اجتماعی در فرهنگ علوی»، *پاسداری*، سال دوم، ش ۶، ص ۱۷۹-۲۹۴.
- علمی، قربان، ۱۳۹۵، «عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ش ۱، ص ۵۷-۹۰.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قوانین برنامه‌های توسعه اول (۱۳۶۸)، دوم (۱۳۷۳)، سوم (۱۳۷۹)، چهارم (۱۳۸۳)، پنجم (۱۳۸۹) و ششم (۱۳۹۵)، مصوبات مجلس شورای اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۸، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۷، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.